

یسه‌نین شاعر بزرگ روس

در تاریخ سوم اکتبر سال جاری هفتادسال تمام از روز تولد سرگئی -
آلکساندر وویچ - یسه‌نین، شاعر روس گذشت. درمجماع ادبی اتحاد شوروی و کشور
های دیگر روزیاد بود، ورا بطرز وسیع برگزار نمودند.

سرگئی - یسه‌نین - شاعر بزرگ روس، جهان را، بمتی جهان‌غمها و شادی‌های
بی‌پایان و تأثرات عظیم آنرا، بسیار خوب احساس مینمود.
او فقط سی‌سال زندگی کرد. فعالیت ادبی وی در اواخر جنگ جهانی اول
آغاز و در اواخر سال ۱۹۲۵ قطع گردید. بنابراین فعالیت ادبی یسه‌نین شامل دوره
نسبتاً کوتاهی است و اما بعنوان شاعر شوروی نامبرده فقط هشت‌سال فعالیت کرده
است.

با این‌وصف یسه‌نین در تاریخ ادبیات منظوم روسی آن‌تغییرات تاریخی را
منعکس نموده که در میهن وی و بخصوص در دیرینه‌ها روی داده است.
آن‌آوری مظهر نوع خاصی از اشعار میهن پرستانه روسی و سرشار از عشق بی
حد و حصر نسبت به سرزمین زادگاهش است.

نقادان و حتی قسمتی از اهل مطالعه در بدو امر با اهمیت مقام یسه‌نین بعنوان
شاعر درست‌بین نبودند. روشها و عقاید، ناسالمی که بعد از مرگ یسه‌نین در میان
قسمتی از جوانان رواج یافته بود در این مورد نقش ناپسندی داشت و کمک
نامطلوبی کرد.

در آن‌زایام باوه سرانجامی‌های رثائی و نده‌ها و خاطرات زیاد در باره یسه‌نین شیوع

یافته بود. منظور از آن غزلسرائی‌های خرده بود و زوایا نه نشان دادن چهره یسه‌سین بطریقی مشخص و معرفی نمودن او بعنوان سرودخوان باس و حرمان و اندوه بود. دوستان سابق آن شاعر هم به همین نحو عمل میکردند و جزوه‌ها و کتابچه‌هایی با عناوین همچنان انگیز، «رازسیاه بنین»، «آنچه در باره یسه‌سین نمیدانید»، «چهره‌های یسه‌سین از فرشته تا اوپانی»، «رومان بدوز دروغ» و امثال آنرا انتشار میدادند.

مایاکوفسکی که ملاحق داشت که در سال ۱۹۲۶ میکفت، ۹۹ درصد آنچه درباره یسه‌سین نوشته شد یا یاوه‌ها و ساده‌است‌یا یاوه زیانداره.

ولی در آن موقع همین «یاوه‌ها» افکار کسانی را که از لحاظ اخلاقی یا آرمانی ثبات نداشتند مسموم میکرد، حس بدبینی را در آنان برمی‌انگیخت و موجب پیدایش رویه بیمارگونه «پیرویاریسه‌سین» (پست‌سچینا) می‌شد. این رویه، بی‌بندوباری و لابلگیری و هیاهوی خراباتی پروما نیتسیم رسوایی‌های آنرا در اطراف نام شاعر بر وجود می‌آورد.

و حال آنکه در حقیقت یسه‌سین نه فرشته بود، نه اوپانی، او شاعر غزلسرای فوق‌العاده خوش‌قریحه و با ذوق و بسیار با صداقتی بود که احساساتی بسیار تند و متضاد داشت، با نگرانی و تشویش در جستجوی حقیقت بود و بی‌انتهامت پیش میرفت و در راه دشوار خود بارنج و نمب مواه و نوه میدیدمیشد.

سرگئی یسه‌سین در تاریخ ۳ ماه اکتبر سال ۱۸۹۵ با برصه وجود گذاشت. پدر وی آلکساندر یسه‌سین زارع از اهالی ایالت ریازان بود. دوران طفولیت شاعر مزبور در کانستانتی نوفکا در زادگاهش گذشت، ولی نه در خانه پدر فقیرش که اولاد هم زیاد داشت، بلکه در خانه فیودور - تیتوف پدر بزرگش (پدر مادرش) که مردی دارا بود و آن پس بچه را از سن دوسالگی نزد خود برده به تربیت او همت گماشته بود.

یه‌سین از نه سالگی شروع ساختن اشعار نمود. در بدو امر او در مدرسه ابتدایی دیده بعد هم در مدرسه کلیانی آموزگاری درس می‌خواند و پس از آن با پدر وارد دانشگاه عالی مسکو میشد. لکن در سال ۱۹۱۲ پس از رفتن به مسکو، که پدر یسه‌سین در آنجا نزد تاجری کار میکرد، سرگئی در بدو امر مجبور شد در دفتر همان تاجر کار بکند. آنکاربر برای شاعر جوان دشوار بود و او بزودی هم آن تاجر و هم پدرش را ترک کرد و رفت که راهی به عالم ادبیات بروی خوبش بگشاید. او که مصنف اشعار زیادی بود وارد انجمن ادبی و موسیقی مسکو شد که بسیاری از ادیبان جوان جامعه دموکراتیک در آنجا گرد می‌آمدند.

کارگران چاپخانه که بان انجمن می‌آمدند کمک کردند و برای یسه‌سین کار مصححی پیدا کردند. در سالهای ۱۹۱۳ - ۱۹۱۴ یسه‌سین در کفرانسه‌های علمی دانشگاه ملی بنام شانیانسکی حضور مییافت و با اشتیاق کتابهای پلیسکی، گوگول، نکرسوف، کالتسوف و رومان دچایید کرد؛ چر نیشفسکی را میخواند.

در سال ۱۹۱۴ آثار آن شاعر جوان را در مطبوعات شروع بدرج نمودند. در اولین شماره مجله کودکان بنام «میروک» (جهان کوچک)، که سیتین آنرا انتشار

میداد، شعر «درخت کبوده» اثریسه نین که آنرا در سال ۱۹۱۳ ساخته بود درج شده بود و در شماره‌های بعد همان مجله اشعار «پرفریزه»، «بشارت عید فصح» و اشعار دیگر وی بچاپ رسیده بود.

لیرسم لطیف و متفکرانه و بیان احساس ظریف و دقیق شاعرانه طبیعت در این آثار توجه خوانندگان را جلب نمود. از طرف دیگر در اشعار دوران اولیسه نین مضامین مذهبی—آوازاها و قصه‌ها که از اوان طفولیت او را با آنها آشنا کرده بودند محسوس بود. شاعر در شرح حال خود چنین نوشته است :

مادر بزرگم از هشت سالگی مرا به صومعه‌های مختلف میبرد و همیشه عده‌ای زنان و مردان پارسای دوره گرد و بی خانماز در منزل ما پناهگاه و مسکن داشتند. در آنجا اشعار گوناگون مذهبی خوانده میشد.

در بهار سال ۱۹۱۵ یسه نین بیایخت آمد و تقریباً از ایستگاه راه آهن یکسر بمنزل آلکساندر— بلوک رفت و یادداشتی نوشته اطلاع داد، که او شاعری است که از ریه آمده و تقاضای ملاقات مینماید. بلوک آن یادداشت را حفظ نموده، روی آن نوشته بود، «روستائی اهل ایالت ریازان، ۱۹ ساله، اشعارش با طراوت، تازه و رساست، بیانی شیوا دارد، ۹ ماه مارس ۱۹۱۵ نزد من آمده است». بطوری که معلوم میشود بلوک شاعر بزرگ روس برای استعداد لیریک یسه نین ارزش عالی قائل شده است. بلوک یسه نین را با جمعی از شاعران آشنا نمود. پس از مدتی یسه نین به سالون‌های ادبی پتر بورگ (پایتخت آن زمان) راه یافت.

در ادبیات پورژواری آن زمان اشخاص دارای افکار منحنط و خرافی و کارکنان انجمن‌های مذهبی و فلسفی و سمبولیست‌ها غالباً انشند و به منزله نمونه و سرمشق بشمار می‌آهند. در چنان محیطی نسبت به یسه نین علاقه خاصی ابراز میشد. رهبران مکتب‌های منحنط (دکادانس) بزرگ نشانه شاعر جوان را تشویق مینمودند و سعی میکردند برای او شهرت سراینده آثار قدیمی روستائی و شاعر متمایل به سمبولیسم را ایجاد کنند.

در منازل مجلل ادیبان نامدار پتر بورگ یسه نین مسخ شده و بشکل مسخره چو دانگ دهانی عرضه و معرفی شد.

لیکن یسه نین بزودی تمام این بازیهای باوه را قطع نمود. کوشی را که پیروان دکادانس بکار میبردند تا او را در راه عمیق تر نمودن مضامین مذهبی سوق بدهند بکلی منایر مقاصد واقعی طبع و خلاقیت او بود. یسه نین خود در سال ۱۹۲۴ در این باره خوب نوشته است: «محیط ادبی که من در سالهای ۱۹۱۳ - ۱۹۱۵ در آن وارد بودم دارای عناید و افکاری تقریباً نقیر پدربزرگ و مادر بزرگ من بود، بدین سبب شعر در آنجا بنحوی وسیاقی درک و تفسیر میشد که حالاً من با هر دو دست و حتی هر دو پایم آنها از خود دور و طرد میکنم. من ابتدا آدم مذهبی و معتقد با و هام نیستم. من واقع بینم، و اگر در آثار من از نظر ره آلیم چیز مبهمی وجود داشته باشد — رومان تقسیم است... من از کلیه خوانندگان آثارم میخواهم خواهش کنم تمام عیسی‌ها و میکولاهای مقدس را که در اشعار من می‌آیند بنخوان چاشنی افسانه‌های آن تلفی کنند.»

بینیم در پاره و اساس خلاقیت طبع یسه نین قبل از سال ۱۹۱۷ چه چیز قرار داشت و چه چیز بعدها موجب شده است که او راه بدوی خویش را راه رآیستی دانسته است .

مسلم است که موضوع عمده اصلی در غزلسرائی یسه نین جوان مضامین مربوط بطبیعت روسیه بوده است. مضامین مذکور که در تمام اشعار بدوی او اثر نمایانی داشته و با احساسات لطیف بیان شده، بهترین وسیله بیان احساسات ساده و کهنه پرست نمای او گردیده است .

در آثار یسه نین بندرت می توان در طبیعت چیزی بی جان و جامه دویی حرکت یافت. علاوه بر اینکه طبیعت در آثار یسه نین بسیار رنگارنگ است با روح هم هست و در حال حرکت دائمی و در جریان تغییرات بی پایان و رشد و نمو و ترقی وصف شده است .

روش شاعر نسبت بطبیعت دور از هر گونه حالات نظاره بی تفاوت است ؛ بهمین سبب طبیعت در اشعار وی چنان در جزع و لایتنج ای زندگی انسان است، احساسات او را بیان میکند و حاکی از حالات او است . شاعر سرزمین زادگاه خود را دوست دارد و آگاهانه آنرا وصف و مدح میکند، او روسیه را دوست میدارد .

در آثار بدوی شاعر يك نکته دیگر هم مشاهده میشود و آن نکته عبارت است از مضامین عصبانی، ستایش آزادی و لگند و آرزو، دوره گردی و بشکاک که هنوز خیلی واضح بیان نشده بوده است. چرثومه این مضامین از سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۶ و حتی قبل از انقلاب در آثار یسه نین پدیدار گردیده است. در اشعاری مانند « درملکی که گزته زرد میروید، » از زندگی در نقطه زادگاه خسته شده ام، « ای روسیه، پروبال بکشا، و اشعار دیگر او نهران لیریک بشکل راهزن، و لگند، یاغی و طاعنی عرض وجود میکند .

دوره قبل از انقلاب را یسه نین با تضاد افکار و احساسات بیابان رساند . دورانی نزدیک میشد که میباید خیلی چیزها را برای شاعر فاش سازد، روح و قلب او را تصفیه کند و به راه راست و استوار هدایت نماید . یعنی دوران تغییرات اجتماعی فرا می رسد. این دوران را او با شادی و شرف استقبال کرد. در سال ۱۹۱۶ یسه نین بخدمت در ارتش فرا خوانده شد. نامبرده حتی در پائین ۱۹۱۴ فرصت یافته بود که روش منفی خود را نسبت بچنگ امیر بالیستی بیان نماید. در آن زمان شعری تحت عنوان « زاغها » بر ضد چنگ ساخته بود. متن این شعر در دست نیست، زیرا در موقع حروف چینی ضبط شده و انتشار نیافته است. در سال ۱۹۱۵ شعر نقش و نگارها، اثر یسه نین انتشار یافت، که در آن شاعر تصریح نموده بود که چنگ برای ملت نتیجه ای جز آلام و مصائب عظیم ندارد .

یسه نین بعد از برقراردن حکومت جدید در روسیه از جبهه جنگ برگشت . نامبرده تا ایستان و پائین سال ۱۹۱۷ را در دیه گذراند. شاعر مزبور روش خود را نسبت بوقایع تاریخی سال ۱۹۱۷ با صراحت در دو سطر از شرح حال خود چنین نوشته است : « در سالهای انقلاب کاملاً طرفدار انقلاب اکتبر بودم ، ولی همه چیز را از نظر خود، با تمایلات دهقانی تلقی میکردم . »

سالهای اول زندگی جدید در روسیه سالهای اوج ترقی خلاقیت طبع یسه‌نین بود و او با حرص و ولع مضامین جدید را وارد میکرد و اسلوب‌های تازه شعرسازی را با اسلوب خود می‌آمیخت و از سنن شعر سرائی و ادبیات پیش‌رو دموکراتیک پیروی میکرد.

در سال ۱۹۱۹ یسه‌نین وارد گروه «ایمازی‌نیست‌ها» شد. بقایای گروه‌های شاعران عقب‌مانده که از قبل از انقلاب اکتبر در روسیه وجود داشتند، در این گروه گرد آمده بودند. ایمازی‌نیست‌ها طرفدار اشعار و ادبیات فاقد مضمون اجتماعی بودند. بمقیده آنان مفهوم هنر عبارت بود از تجسس‌های فورمالیستی و جستجوی تصویرهای جالب توجه. از نظر گاه آنان هدف شعر عبارت بود از چنین «کشف شاعرانه».

با اینکه یسه‌نین بی‌مایکی و غیراصولی بودن اشعار ایمازی‌نیست‌ها را درک میکرد، آنان در او تأثیر منفی نمودند. افکار و عقاید اعضاء آن گروه برای یسه‌نین کاملاً بیگانه بود. نامبرده در ماه مه سال ۱۹۲۱ در این باره چنین نوشته است: «این برداران من علاقه‌ای بهمین با همه معنای بسیط آن ندارند، بهمین سبب هم تمام کارهای آنها هم‌اکنون ندارند».

ایمازینیسم قادر نبود یا بهره‌آلیستی اشعار یسه‌نین را فروریزند و نابود کند، ولی هیاوومی که ایمازی‌نیست‌ها در اطراف خود میکردند، در فعالیت خلاقه وی سوه اثر مینمود. در سالهای نزدیکی او با ایمازی‌نیست‌ها مضامین «می‌خانه‌ای» در اشعار یسه‌نین افزایش یافته، قهرمان اشعار وی بیش از پیش بشکل خماری شبگرد، آدم بی‌بند و بار و وقیح و چنگالی وصف شده است.

کلمات مبتذل خاص او باش که یسه‌نین بکار می‌برد، مضامین یک نهج بی‌بروای مستان، که به اندوه مهلك تبدیل میشده، تماماً حاکی از پائین آمدن سطح هنری و بدیع اشعار او در دوره مذکور بوده است.

هیچ شکی نیست که یسه‌نین کوشش می‌کرده از محیط پوسیده میخانه‌های ادبی خود را خلاص کند. مسافرت یسه‌نین به خارج از مملکت که چند سال او را از میهنش دور کرد، بهمین منظور بوده است.

یهه‌نین با آیه دورا - دونکان، رقاصه انگلیسی که برای نمایش به مسکو دعوت شده بود، روابط نزدیک برقرار نمود و تصمیم گرفت که در مسافرت بعدی همراه او باشد. یسه‌نین قریب دو سال در غربت گذراند و در آمدت به آلمان، فرانسه، ایتالیا و ایالات متحده آمریکا رفت.

اقامت در غربت شاعر مرموز را رنج میدهد. وقتی هم که در بهار سال ۱۹۲۳ به میهن خود برگشت، - چنانکه خود گفته است، - این واقعه برایش به منزله جشن بزرگی بود. یسه‌نین در شرح حال سال ۱۹۲۳ خود یاد داشتش را با این جمله تمام کرده است: «بیش از هر چیز خشنودم از اینکه بروسیه شوروی برگشته‌ام».

مراجعت بهمین بمنزله مرحله جدید فوق‌العاده ثمربخش رشد و ترقی ذوق و قریحه و اشعار یسه‌نین شد. قطع رابطه با محیط سابق و کوشش مشتاقانه برای

پیوستن بکارهای ایجادی زندگی نوین، میل بدرك جزئیات وقایع روسیه که تازه قد برافراشته بود، خلاقت، طبع او را باوج ترقی رساند.

طبیعت روسیه با رنگ آمیزی خیره کننده و الحان سحرانگیزش که شاعر بطرزى جدید مدیده و هوشنیده است، با قدرت تازه ای وارد اشعار او شد. در آن دوره یسه نین تمام مثنی کلام يك سلسله شاهکارهای شعر لیریک بوجود آورده است مانند مجموعه اشعار بنام «مضامین ایرانی». موضوع زندگی نو، موضوع عصر قهرمانها بطور ثابت بر شاعر است بلا میاید و در اشعار «لنین»، «ناخدای زمین»، «روسیه شوروی» و امثال آن که تماماً در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۵ ساخته شده، انعکاس یافته است. شاعر نخستین بار با ایجاد منظومه حماسی بزرگ بنام «آنا-اسنه گینا» (سال ۱۹۲۵) اقدام کرده و خودوی آنرا بهترین اثر خویش می شمرده است. در آن زمان اشعار یسه نین در مجلات نور و زنامه ها درج میشد.

در آن دوره یسه نین بیشتر بنده میرفت و با دهقانان معاشرت میکرد. خواهرش چنین گفته است: «او به دبه می آمد، تا در سکوت کار بکند و شعر بسازد، تا هر دبه بهتر و تازه تر و وضع زندگی آرام دبه را که از دوران طفولیت بآن عادت داشت در خاطرش تجدید نماید. سرگئی خوش مشروب و مهربان بود. وقتی که به دبه می آمد، همسایگان را جمع میکرد و مدتی مدید با آنها صحبت و مزاح میکرد. او تزارا میگفت که آن ملاقاتها برای او بعنوان شاعر خیلی مفید است، در ضمن صحبت کلمات تازه را فرامیگیرد. تمثالهای جدید را در مییابد و زبان حقیقی ملت را میشناسد و هیآموزد».

یسه نین با صدافت کامل مایل بود در زندگی تازه روستائیان، رادرك کند و قدرت کشور زرادگانش را که با تمام وسایل فنی و صنایع مجهز شده باشد مشاهده کند. لیکن این میل صادقانه همیشه پاسخ گوی علائق باطنی یسه نین نبود. او تا آخرین روزهای عمر نتوانست جهان بینی کامل و واضحی برای خود تنظیم کند. خودوی هم این مطلب را ناآید میکرد و چنین میسرود:

من آدم تازه ای نیستم!

چرا پنهان کنم!

يك پای من در گذشته مانده است،

در تلاش رسیدن به لشکر بولادین هم

پای دیگر می لنزد و بز زمین میافتم.

همین خود موجود آن فاجعه روحی شد که یسه نین در سالهای آخر عمرش تحمل میکرد و تا آخر هم نتوانست بر آن فائق گردد. ما کسیم گورکی صریح تر از همه پرده از این فاجعه برداشت. گورکی خاطر نشان میساخت که در سر نوشت یسه نین فاجعه جوانک دهاتی رومانتيك و لیریک مشاهده میشود که عاشق کشتزارها و جنگلها و آسمان دبه خود و حیوانات و گلها بوده است. او بشهر آمد تا درباره عشق خود بزنگی ساده و زیبائی ساده آن حکایت کند. در شهر از او با وجد و مسرت استقبال کردند، ولی شهر بند ریوی را هلاک نمود. تضاد بین لیرسم لطیف و سرشار از احساسات بشردوستانه یسه نین با محیط ناسالم گرداگرد وی کاملاً بچشم می خورد.

لیکن حقیقت فاجعه یسه نین منحصر بهمین هم نبود. زندگی جدید راههای بی نظیر تجدید را گشود. در هیچ زمانی دره با چنان سرعت پیشروی نکرده بود. - اما شاعر علاقه خود را به دره کهنه قدیمی و کلبه های آن نرک نمی کرد حتی با ازگان بحقیقت تاریخی آنچه در روسیه واقع شده بود، او نتوانست بر این حس و علاقه باطنی خود غالب گردد.

در اثر مهم «روسیه شوروی» شاعر مزبور با مسرت تمام تازه های نا آشنا و جوان را که در سالهای اخیر در دره بوجود آمده بود تذکر میداد، ولی در آنجا محلی برای خود نمی یافت:

زندگی بسرعت می غلتد و پیش میرود.

چهره های پیر و جوان

در اطراف من در تکاپو هستند،

ولی کسی نیست که تلاش را بر دارد و بمن سلام بکند،

در دیده هیچکس پناهگاهی نمی یابم.

این احساس بی پناهی بی علت نبود. حس مذکور تضاد عمیق حالات باطنی و سستی جهان بینی شاعر را منعکس مینمود. گورکی در باره یسه نین چنین گفته است: «شاعر لبریک و خیال باف دهاتی، جوانک خوشخو و ملایم، در شهر که مردم بسیار جدی کار میکنند و دهائی بسیار عالی در مقابل خود قرار داده اند، محلی برای خود نیافته است. چند سال بعد گورکی با تذکره مهمی این فکر خود را کامل کرده و گفته است: «این فاجعه منحصر به یسه نین نیست، بلکه فاجعه تمام شاعران فطری و ذاتی دهاتی است، که شاعرانه وصف کردن دهات قدیمی را هدف هنر و منظور خود میدانستند. سیر قهرانی بسوی دوران کهن در آثار شاعران مختلف تظاهر مینموده است، گاهی هم جنبه موعظه ارتجاعی می یافته است. لیکن یسه نین از سقوط به منگاک پریش کرد، او زندگی جدید را تهنیت میگفت و میخواست با ملت همگام باشد. اما نتوانست بر محدودیت ادراک روستائی خود غلبه نماید.

در اواخر سال ۱۹۲۵ اوضاع زندگی یسه نین مجددا دشوار شد. شاعر مزبور سخت بیمار گشت و قریب یکماه در بیمارستان بستری بود. هنوز از بیماری که ملاحظه بودی نیافته بود که باز تحت تأثیر محیط فاسد مسموم کننده قرار گرفت. دوستان معلوم الحال یسه نین سعی میکردند برای او شهرت شاعری را ایجاد نمایند که وجودش لازم نیست و زاید است، و مجددا او را به شب زنده داری و پاداه خواری بی حد و حساب کشاندند. یسه نین بیمار و ناتوان با چهره رنگ پریده و اندوهناک، که بقول خواهرش حاکی از بی اعتنائی نسبت به تمام وقایع اطرافش بود، به لنینگراد رفت. در آنجا در محفل شوم همراهاتش اقامت کرد. چند روز بعد در تاریخ ۲۷ دسامبر سال ۱۹۲۵ او به اطاقی در مهنا نخانه «انگلس» رفت، در بروی همه بست، شعر و داعی سرود و بزنگی خود خانه داد.

در میراث ادبی یسه نین قبل از هر چیز باید اشعار لبریک او را وصف کرد. یسه نین اصولا ناعر لبریک بود. - پدیده های دنیای اطرافش در احساسات شخص شاعر انعکاس می یافت و تمثالهایی بوجود می آورد که بسیار جالب بود و در خاطر نقش می بست.

دایره مطالب و مضامین اشعار لیریک‌یسه نین زیاد وسعت نهدارد، با اینوصف شامل پدیده‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و مجموعه‌ای از تأثرات و احساساتی است که سرنوشت هر آدمی ممکن است منوط روایسته‌بدان باشد. اشعار لیریک‌یسه نین در هر دو رشته از لحاظ عمق مطالب و صراحت و هم آهنگی خلل ناپذیر احساسات و کلام ممتاز است.

اشعار لیریک‌یسه نین از حیث مفاد بشر دوستانه و عواطف انسانی قوی است. حتی گورکی باین موضوع توجه نموده چنین نوشته است: «سرگئی‌یسه نین - گذشته از مقام انسانی، عضوی است که طبیعت منحصرأ برای سرودن اشعار، برای بیان اندوه بی‌پایان کشتزارها، برای ابراز علاقه و محبت، نسبت بموجودات زنده جهان و برای ترحمی که انسان بیش از همه استحقاق آنرا دارد بوجود آمده است».

تأثرات و احساسات گوناگون و مختلف انسانی در اشعار لیریک‌یسه نین انعکاس یافته است. در آن اشعار هم عشق و غم انگیز باقرین سعادت، شادی بخش یارنجبار، توأم با جسارت یا آرام، عالی یا پست و صف شده است، هم علاقه و محبت فرزند نسبت بمادر، هم علاقه مندی برادر و خواهر نسبت بیکدیگر، هم مسرت از دوستی واقعی و غم مفارقت و هجران و هم رفت و تأثر از زندگی بر باد رفته.

مخصوصاً مجموعه اشعار تحت عنوان «مضامین ایرانی» که یسه نین در سال ۱۹۲۵ بیابان رسانده از این لحاظ جنبه خاصی دارد و قابل توجه است. خود شاعر هرگز در ایران نبوده، فقط چند ماه در آذربایجان نزدیک مرز ایران بسر برده است و در مجموعه مذکور بسیاری از مطالب مبنی بر تخیل شاعرانه وی میبایند. معهناً در «مضامین ایرانی» بهترین نکات و صفات لیریک‌یسه نین نمایان گردیده، که عبارت است از قدرت تصویر طبیعت که بخوبی مجسم میگردد و در ذهن نقش مینماید، سادگی و وضوح سوزها و وصف زنده حالات مختلف که غالباً جنبه دراماتیک هم دارد. مضمون اساسی این مجموعه عشق است، خاصه عشق پاک و ثابت مسرت بخش و پایدار، که مبین عالم بطنی غنی انسان است.

خاصیت بسیار قابل توجه این مجموعه اشعار عبارت از این است که در آنها رنگ آمیزی‌های نورانگیر شرقی در حال تضاد با زیبایی ساده و بی‌پیرایه ولی واقعی طبیعت شمال روسیه مقایسه شده است.

در اشعار مجموعه مذکور علاوه بر اینکه رنگ آمیزی‌های طبیعت شرقی و بررسی در هم آمیخته شده، مضامین اشعار و ادبیات شرقی و روسی نیز مخلوط و توأم کرده است، اغلب اوقات اشعار مذکور حاکی از مقایسه شمال دختر شمالی، که شاعر عاشق او است با شمال دختر پربروی ایرانی است.

خلاقیت طبع و آثار یسه نین را نمیتوان خارج از طرقدش و ترقی ادبیات منظوم روس بررسی کرد.

یسه‌نین اندکی قبل از مرگش در شرح حال خود چنین نوشته است :
 « از لحاظ رشد و ترقی شکل ظاهری اشعار حالاً من بیش از پیش متمایل به پوشکین
 هستم ». اما اگر با شعاریسه نین مراجعه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که آثار منظوم
 پوشکین برای یسه‌نین بمنزله نمونه و سرمشق بوده، آنهم نه تنها از حیث شکل ظاهری
 و نه فقط در سال آخر عمر او.

سنت شاعرانه‌ای که از پوشکین و لرمونتوف آغاز گردیده در لیریسیم بشر-
 دوستانه یسه‌نین، در موزیکال بودن اشعار او، در قدرت نقل و بیان احساسات بسیار
 متنوع و مختلف انسانی با کمال وضوح محسوس و مشهود است.

تذکر این مطلب هم ضرورت دارد که اشعاریسه‌نین و جالب‌ترین نکات سبک
 هنری او در خلاقیت طبع يك سلسله شاعران شوروی تأثیر مثبت نموده است.

بدین نحو اشعاریسه نین قسمتی از ثروت فرهنگی ملت شوروی است. مردم
 تمام آنچیزهائی را که در زمینه تأثیرهای بیگانه در اشعار وی وجود آمده است دور
 انداخته و برای تمام آنچیزهائی که در مسیر صحیح و عمیق ترقی و تکامل فرهنگ و
 تمدن هنری کنونی سیر میکرده است، یعنی برای بهترین منظومه‌های یسه‌نین و
 بهترین اشعار لیریک او ارزش عالی قائل هستند.



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی